

بی‌بی شهربانو

ترجمه مدخل «بی‌بی شهربانو» از دانشنامه ایرانیکا

نویسنده: مری بویس

BĪBĪ ŠAHRBĀNŪ
Encyclopædia Iranica, Vol. IV, Fasc. 2, p. 198
Mary Boyce

مترجم مسعود طاهرزاده

دانشجوی کارشناسی ارشد ایران‌شناسی دانشگاه تهران

بی‌بی شهربانو، یکی از زیارتگاه‌های مسلمانان [شیعیان] است که در قسمت مرتفع تپه‌های ری و جنوب تهران، واقع شده است. افسانه‌ای که به این زیارتگاه منسوب می‌کنند، از این قرار است: بی‌بی شهربانو، دختر آخرین پادشاه ساسانی، یزدگرد سوم (۶۳۲-۵۱ م)، در جریان جنگ با اعراب مسلمان اسیر شده و به شهر مدینه برده می‌شود. در آنجا او به همسری حسین بن علی [ع] درمی‌آید. بی‌بی شهربانو از حسین فرزندى به نام علی زین‌العابدین [ع] به دنیا می‌آورد که بعدها او چهارمین امام شیعیان می‌شود. پس از واقعه کربلا (۶۸۰ م) او به سرزمین پارس می‌گریزد تا از تعقیب دشمنان همسر کشته‌شده‌اش به دور باشد. زمانی که چیزی نمانده بود تا در نزدیکی شهرری دشمنان به او برسند، مایوسانه تلاش کرد خداوند را با ندای الله صدا کند اما زبان خسته‌اش درست نچرخید و این کلام از گلویش خارج شد: «یا کوه!». آن‌گاه به شکل معجزه‌آسایی کوه‌ها از هم باز شدند و او به میان سنگ‌ها رفت و آنجا سکنا گزید (و از گزند دشمنان در امان ماند). به سبب همین ماجرا زیارتگاهی مقدس در آن مکان ساخته شد که تنها زنان و مردانی از نوادگان محمد [ص] می‌توانستند از آن دیدن کنند.

داستان شهربانو که به‌عنوان «مادر نه امام» هم از او یاد می‌شود، حدوداً به قرن نهم میلادی بازمی‌گردد و جایگاه مهمی در رسوم شیعی دارد؛ اما هیچ اساس و پایه تاریخی ندارد و نسخه‌ای را هم نمی‌توان یافت که نشان دهد رابطه‌ای بین دختر یزدگرد سوم و شهرری وجود داشته است. از آنجایی که پیش از این افسانه این مکان در ری جایگاه آن‌ها برای زرتشتیان بوده است و آنان برای او احترام زیادی قائل بودند، این فرضیه هست که تقدیس این مکان، پیشینه‌ای تاریخی دارد و این موضوع را می‌توان بعدها در جامه‌های مسلمانان آن منطقه نیز دید. آن‌ها عنوان دیگری نیز داشت: بانو. به همین دلیل زیارتگاه مقدس را شهربانو نامیده‌اند (بانوی شهر). در زیارت‌نامه شهربانو، از او به‌عنوان دیگری از جمله شه جهان، شاه زنان و جهان‌بانو نیز یاد می‌شود. قدیمی‌ترین بخش‌های ساختمان زیارتگاه به قرن دهم بازمی‌گردد که در زمان حکومت صفویه و قاجار این بنا گسترش پیدا می‌کند. در محراب داخلی، مقبره‌ای متعلق به قرن پانزدهم میلادی وجود دارد که ادعا می‌شود پیکر این شاهزاده را به روشی شبیه یک امام‌زاده معمولی دفن کرده‌اند.

این فرضیه که تقدس این مکان به زرتشتیان بازمی‌گردد از آنجایی محکم‌تر می‌شود که افسانه‌ای مشابه به نام بانو پارس در (ادبیات) زردشتی وجود دارد. ارتباط این داستان با آن‌ها با وجود یک استخر مقدس در پایین تپه‌های ری قوت می‌گیرد؛ جایی که زائران پیش از آنکه وارد زیارتگاه بشوند، آنجا خواسته و حاجت خود را ابراز می‌کنند.

کتاب شناسی:

- M.-F. Bāstānī Pārīzī, *Majalla-ye bāstān-šenāsi*, spring, 1338 Š./1959, pp. 1-33.
- Idem, *Kātūn-e Haft-Qal‘a*, Tehran, 1344 Š./1965, p. 271.
- M. Boyce, “Bībī Šahrbānū and the Lady of Pārs,” *BSOAS* 30, 1967, pp. 33ff.
- Ḥ. Karīmān, *Ray-e bāstān I*, Tehran, 1345 Š./1966, pp. 403-16.
- M.-T. Moṣṭafawī, *Eṭṭelā‘āt-e māhāna* 5/2, 1331 Š./1952, pp. 15ff.
- Idem, *Gozāreshā-ye bāstān-šenāsi* 3, Tehran, 1334 Š./1955, pp. 254-305.
- Idem, *Ātār-e tāriḳī-e Tehrān*, Tehran, 1361 Š./1982, pp. 130-39.
- J. Šahīdī, “Baḥṭ-ī dar bāra-ye Šahrbānū,” in *Čerāg-e rowšan dar donyā-ye tāriḳ*, Tehran, 1333 Š./1954.